



تجربه دینی و مکاشفه عرفانی

- تجربه دینی و مکاشفه عرفانی
- محمد تقی فعالی
- دانش و اندیشه معاصر
- چاپ اول ۱۳۸۰
- حسن کمالی



عقلی آسیب‌ناپذیر سازد. در این میان مکاشفه یا واژه‌های نزدیک به آن، نظیر شهود، مشاهده، معاینه، فتوحات، حالات، مقامات و یقین دارای جایگاهی ویژه شد و از مباحث مهم در عرفان نظری شیخ اکبر گشت.

توجه به این نکته از اهمیت خاصی برخوردار است که طرح مسئله کشف و شهود در عرفان اسلامی رویکردی خاص دارد. به عبارت دیگر، عرفا بر آنند که عقل انسان و دیگر قوای ادراکی او، استعداد و توان وصول به حق و اسماء و صفات او را ندارند. معرفت به ذات احدی و اسماء و صفات حُسنای او تنها از طریق کشف و الهام تأمین می‌شود؛ چنان که شریعت تعلیمی است که از تجارب نبوی حاصل می‌آید.

در دو قرن اخیر، مسئله «تجربه دینی» برای دین‌پژوهان و دانشوران اندیشه دینی و علاقه‌مندان به رشته مطالعات دینی در غرب، موضوعی اساسی و حیاتی بوده است. در این دو سده، دین همواره امری تجربی تلقی شده است و کم‌کم نگرش گزاره‌ای نسبت به دین آهسته آهسته از صحنه تحقیقات دین‌شناسان کنار رفت. هرچند تجربه دینی با سابقه، فراگیر و همگانی است، اندیشه تجربه دینی به عنوان یک مسئله و نظریه، جدید و نو است. ظهور این مفهوم در اواخر قرن هجدهم و بیشتر متأثر از پروژه شلایرماخر بوده است.

مطالعه زمینه‌های تاریخی، ما را با این واقعیت آشنا می‌کند که

نگاهی تاریخی گواه آن است که عرفان با تصوف، که بیشتر جنبه عملی و نیز اجتماعی دارد، آغاز شده است. تصوف با «مکتب زهد» که آن را اصحاب صفه و بعد حسن بصری (۱۱۰-۲۲۲ هـ. ق) بنیان نهادند به صحنه آمد.

جریان عمل‌گروی عرفانی و صوفی مآبی اجتماعی از قرن‌های متوالی گذشت و در هر عصر و زمانی از ویژگی‌های خاصی برخوردار گردید تا این که در قرن ششم، حکمت اشراق که به دنبال او در برابر حکمت مشائی که رو به افول گذاشته بود، مطرح شد و با تکیه بر دو عنصر ذوق و استدلال، یک سلسله مبانی خاص فلسفی را بنیان نهاد.

صوفیه با آن که با استدلال و عقل رابطه خوبی نداشتند، بر اثر جدال‌ها و مناظرات علمی و نزاع‌های فرقه‌ای، اندک اندک رو به استدلالی کردن آرا و نظریات خود نهادند. مجموع این عوامل در قرن هفتم و به دست عارف نامی و شهیر محیی‌الدین بن عربی (متوفای ۶۳۸ هـ. ق) به ثمر نشست. در این هنگام بود که تصوف رنگ علمی و استدلالی به خود گرفت.

ابن عربی که بنیانگذار عرفان نظری است، توانست در اقدامی بی‌نظیر و بی‌سابقه، مکتب فلسفی و نظری عرفان را به جهان عرضه کند و با تدوین کتاب «فصوص الحکم» تصوف و عرفان را از نظر استدلالی و

سوم را تشکیل می‌دهند. چهارمین دوره مربوط به عرفان است که در این زمینه نیز بعضی از دیدگاه‌های ارائه شده تا قرن چهارم بررسی شده است. فصل دوم به بررسی تجربه دینی و عرفانی اختصاص دارد. در آغاز، جهت تبیین جایگاه تجربه عرفانی، شاخه‌های دین‌پژوهی مدرن مطرح شده‌اند. ابعاد تجربه عرفانی، حوزه و قلمرو آن و عوامل ظهور و تکون این بحث، از دیگر مباحث این بخش می‌باشند.

فصل دوم کتاب هم در دو بخش تنظیم شده است. بخش یکم که به مکاشفه اختصاص دارد با تبیین واژگانی و ارائه دیدگاه‌های پیشگامان عرفان می‌آغازد. مکاشفه دارای ماهیت و حقیقتی است که لازم بود در بحثی مستقل به آن پرداخته شود. آخرین بحث این بخش، نوعی نظریه‌پردازی در باب کشف و شهود عرفان است. بدین منظور تمام پیش فرض‌های مکاشفه در عرفان اسلامی استخراج و با ترتیب منطقی مطرح شده‌اند.

بخش دوم این فصل نیز به تجربه دینی و عرفانی اختصاص دارد. اولین بحث که به طور طبیعی مطرح می‌شود پاسخ به این پرسش است که تجربه دینی و عرفانی چیست؟ بررسی انواع و اصناف تجربه دینی بحث بعدی را تشکیل می‌دهد. دربارهٔ تجارب عرفانی دیدگاه‌های متنوعی مطرح شده است که در این نوشتار از میان آنها سه دیدگاه عمده و اساسی به بحث گذارده شده است و هر یک از آنها از زوایای مختلف مطرح شده‌اند. ماهیت تجربه دینی و عرفانی و نیز سوگیری تجارب دینی، از دیگر مباحث این بخش می‌باشند.

در رابطه با مکاشفه و تجارب عرفانی مسائل مختلفی مطرح می‌شوند که در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته‌اند. مسئله ملاک، نخستین بحث این فصل است. از دیگر مسئله‌های مهم مطرح شده در این باره این است که آیا تجارب همراه با تفسیرند؟ این مسئله نیز از چندین زاویه کاویده شده است. رابطه و نسبت میان وحی و مکاشفه هم در ادامه مطرح شده است. آخرین بحث این فصل و نوشتار را کشف و شهود از دیدگاه قرآن و روایات تشکیل می‌دهد.

این اثر از امتیازات متعددی برخوردار است؛ اولاً، نخستین تألیف در زبان فارسی در رابطه با تجربه دینی است. ثانیاً، تألیف در زبان فارسی در زمینه مکاشفه عرفانی است. گذشته از اینکه به این دو مسئله به گونه‌ای تطبیقی و مقایسه‌ای نگاه شده است. ثالثاً، این اثر از منابع متعددی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی بهره گرفته است. و در نهایت، اینکه در بسیاری از زمینه‌های نظریه‌پردازی شده است؛ لذا گردآوری نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف می‌تواند از ویژگی‌های برجسته این تحقیق باشد. به‌همت و تدبیر، ورود این اثر ارزشمند به صحنهٔ ادبیات فلسفی - کلامی باید غنیمت شمرده و دیدگاه‌های انتقادی و تکمیلی را قرین آن نمود.

عواملی چند شرایط را برای اعلام برنامه شلایر ماهر فراهم ساخت. الهیات طبیعی که از سوی توماس آکویناس شدیداً حمایت می‌شد، با فرارسیدن عصر جدید به افول گرایید. هیوم بیش از همه در مخالفت با الهیات طبیعی نقش داشت. او با تکیه بر مبانی تجربه‌گرایی، ارکان و عناصر مختلف الهیات طبیعی نظیر برهان نظم و برهان معجزه را مورد تردید قرار داد و از این طریق آن را با انتقادی جدی مواجه ساخت. در این هنگام حفظ دین و ارائه توجیه معقولی از دیانت، نیازمند طرحی جدید بود. شلایر ماهر با تأکید اعلام داشت که ادله اثبات خدا پوستهٔ دین را تشکیل می‌دهد. اما قلب دین، تجربه است و از این رو دین می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

عامل دوم سلسله انتقادهایی است که از سوی کانت مطرح شد. وی سه عنصر اصلی دین را وجود خدا، اختیار انسان و وجود و جاودانگی روح دانست. این سه عنصر از محدودهٔ عقل نظری بیرون رانده شدند و جایگاهی جز در حوزهٔ عقل عملی برای آن‌ها در نظر گرفته نشد. از دیدگاه کانت، دین به اخلاق تحویل می‌شود؛ از این رو، دین اصالتی ندارد و حوزهٔ مستقلی را اشغال نمی‌کند. طرح شلایر ماهر انتقادی است به دین‌شناسی کانت و با تحویل‌گرایی او مخالفت دارد.

مجموعه عوامل یادشده به همراه ظهور مکتب رمانتیک و نقد کتاب مقدس، شرایط را به طور کامل برای پیدایش دیدگاهی که دین را از قلمرو تأملات عقلی و ادله ذهنی بیرون برد و آن را صرف احساس و عاطفه معرفی کند، فراهم کرد. شلایر ماهر قلب و هسته دین را تجربه دانست و اعلام کرد که خدا یک فرضیه نیست، بلکه برای شخص مؤمن یک تجربه است؛ تجربه‌ای زنده و پویا که همواره در قلب شخص دیندار می‌تپد. او با تنظیم دو کتاب دربارهٔ دین و ایمان مسیحی مؤثرترین دفاع و تقریر را از استقلال تجربه دینی به عمل آورد. و از این طریق ایمان مسیحیت را از نو بازسازی نمود.

البته این جریان توسط ویلیام جیمز، اتو، استیسی و پروادفوت ادامه یافت و در قرن معاصر به طور کاملاً گسترده و وسیع مورد توجه محافل آکادمیک قرار گرفت. برخی از مسائلی که در زمینه تجربه‌گرایی دینی مطرح شد از این قبیل است که: تجربه دینی یا تجربه عرفانی چیست؟ آیات تجارب دینی یا عرفانی هسته مشترکی دارند؟ آیا تجربه‌ای بدون تفسیر وجود دارد؟ ارزش معرفتی تجارب تا چه حد است؟ و نهایت این که آیا تجربه دینی یا عرفانی می‌تواند توجیه‌گر اعتقادات دینی باشند؟

به منظور پاسخ گفتن به پرسش‌های پیش گفته، کتاب حاضر با عنوان «تجربه دینی و مکاشفه عرفانی» فراهم آمد. در فصل یکم که در واقع شأن مقدماتی دارد، مکاشفه و تجربه دینی و عرفانی را در گذر زمان بررسی می‌شود. اگر به بحث مکاشفه، نظری تاریخی داشته باشیم، خواهیم دید که ریشه آن را باید در قرآن کریم جست‌وجو کرد و این اولین دوره تلقی می‌شود. دوره دوم، جست‌وجو در حدیث است. آراء کلامی اعم از دیدگاه‌های مجسمه، مشبهه، معتزله، جهمی، حنبله و اشاعره نیز، دوره